

کار خانگی

آزاده ارفع

پنجشنبه ۲۲ اسفند ۱۳۸۷

کار خانگی یکی از موضوعاتی است که در سال گذشته در آلمان در سطح عمومی مورد بحث بوده است. جالب آن است که احزابی مثل حزب سوسیال میسیتی و سوسیال دموکراتها هم خواهان پرداخت حقوق به مادران برای نگهداری فرزندان تا ۳ سالگی شدند. البته قرار است که این قانون از سال ۲۰۱۳ به اجرا درآید. قابل توجه است که این پیشنهاد قبلاً از طرف حزب چپ مطرح شده بود ولی حالا احزاب بورژوازی این شعار را از آن خود کرده اند. به این شکل کار خانگی از صورت مباحثات تئوریک در میان سوسیالیست ها و فمینیستها به صورت یک رفورم اجتماعی در آمده است. برای آگاهی بیشتر درباره کار خانگی و درخواستهای زنان فمینیست نگاهی گذرا به تاریخچه کار خانگی بر اساس مقاله " مومیایی کردن زنان خانه دار " (کریستینا فیشر) می اندازیم.

در دهه هفتاد ماریا روزا دالا کوستای ایتالیایی در سال ۱۹۷۲ اولین سازمان فمینیستی را بعنوان اپوزیسیون فرا پارلمانی (لوتا فمینیستا) تحت عنوان "زنان و سقوط جامعه" پایه گذاری کرده و بحث کار خانگی را به وسط کشید. وی تلاش کرد ثابت کند که کار خانگی به مثابه یکی از اجزاء اساسی تولید سرمایه دای منشا ایجاد ارزش اضافی است و بنابراین باید به آن دستمزد تعلق گیرد. دالا کوستا در صدد بود که از این طریق زنان خانه دار را به طبقه کارگر و مبارزات انقلابی پیوند دهد. وی به شورش و اعتصاب زنان خانه دار بعنوان یک عامل تعیین کننده برای سرنگونی نظام سرمایه داری نگاه میکرد. عقاید خیال پردازانه ای که در میان جنبش زنان مورد انتقاد قرار گرفت.

کریستینا دلفی جامعه شناس فرانسوی پایه گذار سازمان "جنبش رهایی زنان" و نشریه "مسائل جدید فمینیستی" در سال ۱۹۷۰ در کتابش تحت نام "دشمن اصلی" مواضع اش را در مورد فمینیسم مطرح ساخت. از نظر او در تحلیل اقتصادی سرمایه داری به کار خانگی زنان توجه کافی مبذول نشده است. در سال ۲۰۰۴ وی در لوموند دیپلماتیک مقاله ایی در باره نابرابری زنان و مردان در بازار کار نوشت و در آن دلیل اصلی این نابرابری را استثمار زنان در کار خانگی دانست که ۹۰ درصد آن به دوش زنان سنگینی می کند. دلفی می گوید که این استثمار بخشی از ساختار نظام اجتماعی همچون تقسیم جامعه بر طبقات است. وی در مقاله اش نوشت که اینطور وانمود میکنند که کار خانگی توافقی است بین زوجین برای تقسیم کار اما در پس کار خانگی، سازمان پدرسالار جامعه پنهان شده است. در آلمان پروفیسور جامعه شناس ماریا میس که امروزه عضو آتاک آلمان است در اواخر دهه ۷۰ مفهوم "خانگی سازی" زنان را مورد بحث قرار میدهد. وی ارزش زدایی کار زنان در سرمایه داری و همچنین سیاست استعماری و نو استعماری در جهان سوم را بهم ارتباط میدهد.

نقطه نظرات تئوریکی که از مارکس ملهم هستند در آثاری مانند " فرهنگ تاریخی - انتقادی فمینیستی " فریگا هاگ مطرح شده اند. هاگ در اثر خود به مفاهیمی مانند کار خانگی، زن خانه دار و خانگی کردن زنان می پردازد. مفاهیمی که بخشهای گسترده ای از فرهنگ منتشره توسط او به آن اختصاص یافته است. هاگ نقطه عزیمت تئوریک

خود را تئوری تولید و بازتولید مارکس قرار میدهد. او بر آن است که رابطه جنسیت توسط روابط تولیدی تعیین می شود. آنجلا دیویس مبارز حقوق مدنی آمریکایی موضع دیگری را در این عرصه نمایندگی میکند. او بخش ۱۳ و آخر کتاب خود منتشره در ۱۹۸۱ " زن ، نژاد و طبقه " را بکارخانگی اختصاص میدهد. از نظر دیویس کارخانگی کاری منفعت زا نیست، اغلب به اشکال بسیار ابتدائی انجام میشود، در سرمایه داری کاری کم ارزش تلقی میشود که توسط زنان انجام میگردد. وی با پیشنهاد پرداخت مزد و حقوق به زنان برای کارخانگی مخالفت میورزد. زیرا از سویی سرمایه داری بکارخانگی وابسته نیست و از سوی دیگر با پرداخت مزد و حقوق نمیتوان خ صلت تحت سلطگی و کهنتری زنان را جبران کرد.

کارخانگی باید توسط یک اقتصاد صنعتی انجام شود که متشکل است از تیم های آموزش دیده ای که خانه به خانه کار را انجام داده و حقوق خوبی در ازای کارشان دریافت میکنند. برای این کار بودجه دولتی قابل ملاحظه ای لازم است. و در نهایت او اجتماعی کردن کارخانگی را تنها در سوسیالیسم امکان پذیر میداند. " قدم های قابل ملاحظه برای پایان دادن به بردگی خانگی تنها در کشورهای سوسیالیستی میتواند جامه عمل بپوشد."

فمینیستهای مارکسیست همیشه انتقال کار خانگی به بخش خدمات عمومی جامعه را مطرح کرده اند یعنی آن چه که آگوست بیل در "زن و سوسیالیسم" مطرح کرد و پس از او نیز لنین و آکساندر گولنتای آن را پی گرفتند. سیستم حرارت مرکزی، مراکز شستشو، آشپزخانه های مرکزی، استفاده از برق در کارخانگی - تقریباً همه آن چیزهایی را که آگوست بیل در قرن ۱۹ آنها را طرح کرده بود و بسیاری دست آوردهای تکنیکی که او حتی نمیتوانست درباره آنها تصویری داشته باشد امروزه در کشورهای غربی به استاندارد مبدل شده است بدون آنکه فشار کارخانگی بر روی زنان کاهش یافته باشد.

بتی فریدان آمریکایی با مطالعه بر روی وضعیت زنان آمریکا در پس از جنگ جهانی دوم به این نتیجه رسیده است که پیشرفت های تکنیکی نه فقط به پایان دادن بردگی خانگی زنان منجر نمیشود بلکه پدیده بردگی خانگی را تلطیف میکند. زنان خانه دار موضوع تمرکز فروشندگان و بازاریابان حرفه ای هستند که زنان را بعنوان متخصصین کار خانگی سوژه بازاریابی خود قرار داده و با توسل به انواع ترفندها تمایل به خرید ابزار و وسائل کاری خانگی ، مواد شستشو دهنده و کالاهای مصرفی را در آنها بر می انگیزند. (بتی فریدان، شیدایی زنانگی ۱۹۶۳)

تجربیات تاریخی نشان داده اند که در سوسیالیسم آلمان شرقی کارخانگی همچنان به عنوان وظیفه زنان باقی مانده بود اگرچه در طول چند دهه بهبودهایی در آن بوجود آمده بود. مسئله فشار مضاعف بر زنان در آلمان شرقی همواره مورد بحث بوده و بویژه این مسئله در کتاب مارلیس آلدورف که در سال ۱۹۷۵، سال بین المللی زنان منتشر شد، نیز بازتاب یافته است. چندی پیش در مطالعه منتشره توسط " مرکز تحقیقات اقتصادی آلمان " مطرح شده است که در آلمان نیز مانند گذشته زنان بیش از مردان ناچار به انجام کارخانگی هستند. امری که موانع زیادی بر سر موقعیت های شغلی آنها به وجود میآورد. این تقسیم ناعادلانه کارخانگی انگیزه ای است برای مبارزات فمینیستی زنان. همانطور که بیل گفته است تکامل زندگی اجتماعی تنها در صورتی ممکن است که زنان از حلقه تنگ خانواده خارج شده و مشارکت کامل در زندگی اجتماعی و وظایف فرهنگی انسانی را بعهده گیرند.

آزاده ارفع منبع: مومیایی کردن زنان خانه دار کربستینا فیشر